

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۰

پایش و ارزیابی طرحهای یکپارچه توسعه روستایی

مطالعه موردی حوزه آبریز حبله رود

دکتر احمد مجتهد، دکتر علی حسن زاده*

چکیده

طی سالهای متمادی، عواملی نظیر فقر اقتصادی حاکم بر مناطق روستایی و سطح پایین دانش و آگاهی روستائینان نسبت به مراقبت و حفاظت از منابع طبیعی و در نهایت بهره‌برداری نامناسب از آن باعث تخریب شدید این منابع و تشدید فقر و توسعه نیافتگی در مناطق روستایی شده است.

مقوله مدیریت پایدار منابع آب و خاک به عنوان یکی از راهکارهای توسعه یکپارچه روستایی^۱ از مهمترین تحولات مورد نظر صاحب نظران داخلی و خارجی برای جلوگیری از تشدید فرایند تخریب و فرسایش منابع طبیعی کشور و احیای مجدد اقتصاد روستایی با گرایش نوسازی

* به ترتیب: دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی.

1. Integrated Rural Development

مبتنی بر اصل مشارکت بهره‌برداران و روستاییان در این راستا بوده است. پایش و ارزیابیهای مستمر به عنوان یکی از ابزارهای مهم کنترل و هدایت در افزایش کارایی عملکرد نظام مدیریت این منابع و تسریع در فرایند توسعه روستایی از اهمیت بسزایی در این برنامه‌ها برخوردار است.

این مقاله با مروری گذرا بر تجربه بعضی از کشورها در زمینه پایش و ارزیابی پروژه‌های توسعه روستایی بر محور مشارکت روستاییان، به معرفی مهمترین روشهای پایش و ارزیابی پروژه‌های توسعه روستایی می‌پردازد. همچنین با استفاده از روش تعیین و محاسبه شاخصهای کلیدی و به استناد اطلاعات جمع‌آوری شده از ۱۶۸ نمونه از ۲۱ روستای مورد بررسی در منطقه حوزه آبخیز حبله‌رود، نتایج اقتصادی اجرای اولین طرح یکپارچه توسعه روستایی و حفاظت از محیط زیست در ایران را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها:

مشارکت مردمی، پایش و ارزیابی، پایش و ارزیابی مشارکتی، توسعه روستایی.

مقدمه

مناطق روستایی به عنوان یکی از مهمترین قطبهای اقتصادی کشور می‌تواند نقش برجسته‌ای در تأمین نیازهای غذایی جمعیت، مواد اولیه مورد نیاز صنایع و در نهایت، رشد و توسعه اقتصادی کشور ایفا کند. با این حال به علت فقر اقتصادی حاکم، سطح پایین آگاهی مردم نسبت به مراقبت و حفاظت از منابع طبیعی، فرسایش شدید خاک، عدم بهره‌برداری صحیح از منابع و مراتع، گسترش بی‌رویه دیمزارها، بی‌تعادلی شدید میان مراتع و دام، همه و همه باعث شده است که این مناطق نه تنها قادر به ایفای نقش خود نباشند بلکه در معرض نابودی و خطرات ناشی از حوادث طبیعی از جمله سیل و خشکسالی قرار گیرند و خسارات و زیانهای مالی و جانی فراوانی بر روستاییان تحمیل شود.

بر اساس بررسیهای انجام شده، طی ۴۰ سال گذشته، بیش از نیمی از گستره جنگلی شمال

کشور نابود شده است و روند تخریب در عرصه‌های باقی‌مانده نیز همچنان ادامه دارد. این روند تخریب و نابودی، در جنگلهای بلوط واقع در غرب و مرکز و همچنین در مراتع کشور نیز کم و بیش به چشم می‌خورد. بررسی‌ها نشان داده است که به طور کلی نرخ تخریب مراتع به بیش از ۳ برابر احیای آنها و نرخ تخریب جنگلها به بیش از ۲ برابر احیای آنها رسیده است (حشمت‌الواعظین، ۱۳۷۸). اگر این روند ادامه یابد، سالانه نزدیک به یک درصد از مراتع کشور به بیابان تبدیل می‌شود و فرسایش خاک به رقم سرسام آور ۳ میلیارد تن در سال خواهد رسید. این میزان فرسایش دو برابر متوسط جهانی آن و ده برابر متوسط این شاخص در کشورهای اروپایی است.

نبود برنامه‌ریزی اصولی و مدیریت مطلوب آب و خاک در کشور موجب شده است تا با وجود نرخ فزاینده تخریب، از تولیدات مرتعی استفاده مناسب نشود. در حال حاضر مراتع کشور با تولید ۱۱ میلیون تن علوفه خشک، ۴۰ درصد از علوفه مورد نیاز دامهای کشور را به بهای اعمال فشاری معادل ۳ برابر ظرفیت تولید مراتع و تسریع در روند تخریب تأمین می‌کنند. افزایش روند تخریب هم توانایی تولید مراتع کشور را کاهش می‌دهد و هم هزینه دولت را برای مقابله با بیابان‌زدایی به شدت افزایش می‌دهد و منجر به نابودی منابع درآمدی کشاورزان در درازمدت می‌شود.

تداوم روند تخریب منابع طبیعی کشور، آسیبهای جدی به دیگر بخشهای اقتصادی کشور نیز وارد می‌آورد؛ پرشدن مخازن سدها، آلوده شدن آبهای سطحی و زیرزمینی، افت سطح آبهای زیرزمینی و شور شدن آب و خاک از جمله آشکارترین پیامدهای زیانبار تخریب منابع طبیعی کشور در دهه‌های اخیر است. افزون بر این، بروز سیل‌های ویرانگر که همه ساله زیانهای سنگین مالی، جانی و معنوی به مردم کشور، بویژه روستاییان وارد می‌آورد، از دیگر آثار سوء روندهای تخریب منابع به شمار می‌آید. این پیامدها در نهایت به کاهش تولید در بخش کشاورزی و صنعت می‌انجامد و وابستگی کشور را از طریق نیاز به واردات کالاهای مورد نیاز، افزایش می‌دهد. از آنجا که آب و خاک به عنوان پایه فعالیتهای کشاورزی در فضاهای روستایی

کشور محسوب می‌شود، از این رو حفاظت و پایداری این منابع در گرو نگرشها و فعالیتهایی است که باید در روستاها انجام گیرد. تجربه همه کشورهای که به شکل جدی به پایداری منابع آب و خاک پرداخته‌اند نشان می‌دهد که حفظ و توسعه این منابع حیاتی جز از طریق مشارکت آگاهانه مردم و نهادهای مشارکتی در محیطهای روستایی امکانپذیر نیست. از این رو تقویت انگیزه‌های مشارکت مردم و ایجاد و گسترش نهادهای مشارکتی در روستا، از مهمترین محورهای توسعه روستایی به شمار می‌آید. در ایران نیز، در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و همچنین در رهیافتها و راهبردهای توسعه روستایی در برنامه سوم، توسعه پایدار منابع طبیعی با استفاده از مشارکتهای مردمی مورد تأکید قرار گرفته است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸، فصل ۱۲ و ۱۳). برنامه مدیریت پایدار منابع آب و خاک در حوزه آبریز حبله‌رود یکی از طرحهای اجرایی است که با جهتگیری توسعه روستایی و با هدف جلوگیری از تخریب و فرسایش منابع آب و خاک و بهبود زندگی روستاییان و با تأکید بر استفاده از مشارکتهای مردمی به عنوان یک رهیافت برنامه‌ریزی از پایین به بالا در قالب سه پروژه آبخیزداری، بیابان‌زدایی و تولیدات کشاورزی در ۲۱ روستای نمونه در شهرستانهای فیروزکوه، دماوند و گرمسار به اجرا در آمده است^۱. در این مقاله، ضمن بررسی روشهای متعارف پایش و ارزیابی پروژه‌های منابع طبیعی از دیدگاه اقتصادی، با استفاده از روشهای منتخب، به ارزیابی نتایج اجرای این طرح در توسعه روستایی منطقه پرداخته شده است.

مفهوم نظام پایش و ارزیابی پروژه‌های توسعه

پایش را می‌توان به عنوان ترکیبی از سنجش، ضبط، گردآوری، پردازش و رساندن اطلاعات برای کمک به تصمیمگیری مدیریت پروژه تعریف کرد. در مورد پروژه‌های توسعه‌ای، پایش بر کارکرد، عملکرد و تأثیر این پروژه‌ها تأکید می‌کند. کارکرد پروژه، بسیاری از فعالیتهای عادی را در بر می‌گیرد که به طور منظم و یا به تناوب انجام می‌شود و برای پیشبرد صحیح پروژه ضرورت دارد. برای مثال نگهداری ماشین‌آلات و تجهیزات و تحول و توزیع منابع پروژه از قبیل انواع نهاده‌ها و اعتبارات، فعالیتهای مربوط به کارکرد پروژه است. عملکرد پروژه به سطح توفیق آن در رسیدن به هدفهای از پیش تعیین شده و تأثیر پروژه نیز به آثار حاصل از کارکرد و عملکرد

۱. این طرح با استفاده از کمکهای مؤسسات وابسته به سازمان ملل از جمله سازمان خواروبار و کشاورزی و برنامه توسعه سازمان ملل و اعتبارات عمرانی کشور به اجرا گذاشته شده است.

پروژه بر فرایند توسعه کشور یا منطقه تحت اجرای پروژه اطلاق می‌شود. فعالیت پایش مداوم به بهبود مدیریت اجرایی پروژه کمک می‌کند.

ارزیابی، به مقایسه کارکرد، عملکرد و اثر سنجش بالفعل پروژه با آنچه در ابتدای امر از این جهات مشخص و برنامه‌ریزی شده است اطلاق می‌گردد. در ارزیابی مداوم، تعیین روابط محلی میان نهاده‌ها و فعالیت‌های پروژه، ستانده‌ها و تأثیر عوامل محدودکننده یا حمایت‌کننده بیرونی بر کارکرد و عملکرد پروژه مورد تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین ارزیابی شامل تجزیه و تحلیل مستمر اطلاعات حاصل از پایش، توسط مدیریت پروژه، به منظور دادن امکان تبدیل یا تعریف مجدد سیاستها، هدفها، ترتیبات نهادی و منابع مؤثر در طول اجرای پروژه می‌شود.

ضرورت و اهمیت مطالعات پایش و ارزیابی

در جهان امروز، کشورهای در حال توسعه و کارگزاران بین‌المللی تأمین‌کننده مالی، نقش بسیار فعالی در مدیریت پروژه‌های متعدد اقتصادی - اجتماعی بر عهده دارند. برای مثال در سال ۱۹۸۷ دولت مرکزی هند به تنهایی بیش از ۳ هزار مورد از این پروژه‌ها را تحت حمایت مالی خود و نزدیک به ۶ تا ۷ هزار پروژه دیگر را از طریق دولتهای محلی، تحت نظارت خود داشته است. در همین سال دولت پاکستان نزدیک به ۳۸۰۰ پروژه را در برنامه سالانه توسعه ایالتها تحت حمایت مالی خود قرار داد. بررسیهای آماری نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۵ از مجموع پروژه‌های توسعه‌ای که توسط کارگزاران بین‌المللی تأمین‌کننده مالی حمایت می‌گردید، ۱۹۲ پروژه توجه بانک جهانی را به خود جلب کرده است، به طوری که این مؤسسه سعی در ارزیابی عملکرد وضعیت پیشرفت آنها داشته است.

این بررسیها نشان می‌دهد که درصد چشمگیری از این پروژه‌ها با موفقیت روبه‌رو نبوده و نتوانسته‌اند به هدفهای از پیش تعیین شده دست یابند. به بیان دیگر، قریب ۲۰ درصد از مجموع این ۱۹۲ پروژه انتخابی، نتایج معین و مطلوبی را در بر نداشته است. افزون بر آن، نرخ موفقیت این پروژه‌ها، بویژه در کشورهای کم‌درآمد، آنقدر پایین بوده که در نهایت منجر به بروز اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در این کشورها گردیده است (در کشورهای آفریقایی نرخ موفقیت پروژه‌ها غالباً کمتر از ۵۰ درصد بوده است).

عملکرد ضعیف این پروژه‌ها، دولت‌ها و کارگزاران بین‌المللی توسعه را به عنوان عمده‌ترین تدوین‌کنندگان راهبردهای توسعه با هدفهای کلان، نظیر: حمایت از محیط زیست، فقرزدایی، اصلاحات اقتصادی - اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان، بر آن داشته تا نسبت به ترویج روش‌هایی و رهنمودهای عملیاتی نظامهای پایش پروژه‌های توسعه‌ای تأکید ورزند؛ زیرا پایش این پروژه‌ها، اطلاعات مربوط در این باره را که هدفهای این پروژه‌ها در حال تحقق هست یا خیر و یا کارکرد، عملکرد و تأثیر این پروژه‌ها در مسیر تعیین شده قرار دارد یا خیر، در اختیار مراجع مربوط قرار می‌دهد. اهمیت این نظام در این است که در فرایند اجرای پروژه، اطلاعات زیر را به ما ارائه می‌دهد:

- آیا فعالیتهای اجرایی پروژه مطابق برنامه پیش می‌رود؟

- آیا نهاده‌ها و ستانده‌ها به سطح مقرر می‌رسند؟

- آیا آثار پروژه با هدفهای آن مطابقت دارد؟

- آیا این هدفها در شعاع نظریه به دست آمده نیاز به تعدیل دارند؟

اطلاعات حاصل از پایش، که در نهایت ممکن است نشان‌دهنده کارکرد کافی و یا کاستی عملکرد و تفاوت میان هدفها و آثار پیشینی شده از یک سو و هدفها و آثار پدید آمده از سوی دیگر باشد، اساس تصمیم‌گیریها و اقداماتی را فراهم می‌آورد که مدیریت پروژه باید به منظور تعدیل هدفها برای جهت دادن صحیحتر به پروژه و رفع کاستیهای آن و برگرداندن آن به مسیر تعیین شده انجام دهد.

مروری بر تجربیات اجرای سیستمهای پایش و ارزیابی در کشورهای در حال توسعه

بررسی محوری سیستمهای پایش و ارزیابی پروژه‌های توسعه کشاورزی و روستایی

اجرا شده در سطح جهان و کشورهای در حال توسعه، به لحاظ شناسایی یک سیستم پایش و

ارزیابی مناسب برای پروژه آبخیزداری حبله‌رود، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در این بخش از مقاله چند نمونه از سیستمهای پایش و ارزیابی پروژه‌های توسعه

روستایی اجرا شده در کشورهای کره، نپال، کنیا و نیجریه مورد بررسی قرار گرفته است که به طور خلاصه به تفسیر آنها می‌پردازیم.

این بررسیها نشان می‌دهد که وجود سیستمهای پایش و ارزیابی در پروژه‌های مختلف باعث بروز واکنش سریع مدیریت پروژه نسبت به اطلاعات جمع‌آوری شده به کمک سیستم پایش و نیز تسریع در پیشرفت، اصلاح و بهبود اجرای پروژه‌های توسعه روستایی در این کشورها شده است.

برنامه پایش و ارزیابی در پروژه آبیاری Mwea (کنیا)

پروژه Mwea به عنوان پروژه‌ای در زمینه توسعه کشاورزی در کنیا، با هدف اصلاح شیوه‌های آبیاری در اراضی کشاورزی به وسعت ۵۷۴۶ هکتار، افزون بر ۳۶ هزار نفر از روستاییان این کشور را در قالب ۳۱۰۰ خانوار تحت پوشش خود قرار داده است. از هدفهای اجرای این پروژه می‌توان به افزایش تولید محصول و درآمد کشاورزان منطقه در نتیجه اصلاح روشهای آبیاری و بهبود تجهیزات مورد استفاده با تأکید بر مشارکت خود کشاورزان اشاره کرد.

ای. کلیتون، به عنوان کارشناس اقتصاد کشاورزی، وظیفه پایش و ارزیابی عملیات اجرای این پروژه را بر عهده داشته است. وی با استفاده از روشهای مستقیم آمار و ثبت مستقیم اطلاعات و داده‌های مورد نیاز موجود تولید و سطح زیرکشت در منطقه، طی ۱۶ سال، به موفقیت این پروژه از نظر اقتصادی و توسعه منابع روستایی این پروژه اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی وی و ارزیابیهای انجام شده نشان می‌دهد که طی ۱۶ سال، سطح زیرکشت از ۲۰۰۶ هکتار به ۵۶۱۶ هکتار افزایش یافته است. کلیتون در این پروژه به نتیجه ارزیابیهای مستمر و سیستم پایش به عنوان عامل مؤثری در مدیریت کارا و فراگیر پروژه و در نهایت، عملکرد موفقیت‌آمیز این پروژه اشاره می‌کند. به دیگر سخن، از دیدگاه کلیتون، وجود یک سیستم مناسب پایش، منجر به جمع‌آوری اطلاعات کاربردی مناسب و واکنش سریع در برابر آنها می‌شود، که سرانجام افزایش کارایی و قابلیت مدیریت پروژه را در نظم دادن فعاليتها و استفاده بهینه از نهاده‌ها در این پروژه فراهم می‌آورد (IBRD, 1981).

برنامه پایش و ارزیابی در پروژه جنگل‌کاری ناحیه آراسونواکوات در نپال

پروژه آموزش و توسعه جنگل‌کاری در سال ۱۹۸۰ برای بهبود پوشش گیاهی مناطق تپه‌ای سراسر کشور نپال آغاز شد. موضوع این پروژه، تقویت منابع ملی جنگلی از راه فعالیتهایی همچون ایجاد و حفظ جنگلها، توزیع رایگان بذر، حفاظت از خاک، بهبود فرایند استحصال ذغال چوب از کوره‌های مربوط و فعالیتهای آموزشی است.

این پروژه در سال ۱۹۸۰ با حمایت بانک جهانی برای ایجاد جنگل در ۱۸ تپه در سراسر کشور نپال آغاز شد و فعالیت پایش پروژه، با توجه به منابع مالی آن و جریان اطلاعات مربوط به پروژه، به لحاظ ساختار تصمیمگیری و مدیریت آن، طرح‌ریزی شد، به گونه‌ای که پایش پروژه را واحدی مجزا از مدیریت مستقیم پروژه انجام داد. این عمل تا اندازه‌ای موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های پایش می‌شد. فعالیت پایش بیشتر روی ابزار و عملکرد پروژه‌ها، داده‌ها، ستانده‌ها و نتایج آن تأکید داشت. براساس گزارشها، بازدهیهای محلی از پروژه به وسیله کارکنان واحد پایش و ارزیابی انجام پذیرفت و فعالیتهای مورد پایش شامل توزیع بذر، زمینهای مورد نظر طرح، وضعیت کوره‌ها و ایجاد نهالستانها می‌شد.

پروژه جنگل کاری دارای آثار مستقیم، غیرمستقیم و درازمدت است. شاخصهای پایش نیز بر اساس فعالیتهای مختلف پروژه طراحی و موضوعهای پروژه در سند اصلی پروژه مشخص شده است. در شرح وظایف واحد پایش و ارزیابی نیز موضوعهای مورد پایش مشخص گردیده است.

برنامه پایش و ارزیابی در پروژه توسعه کشاورزی نیجریه

در کشور نیجریه نیز در سال ۱۹۷۵ یک طرح توسعه کشاورزی آغاز شد که سه پروژه توسعه کشاورزی را در بر می گرفت که روی هم حدود ۱/۸ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی این کشور را تحت پوشش خود داشت. این پروژه ها سعی داشتند با افزایش نهادهای زراعی، ارائه تسهیلات اعتباری، توسعه خدمات کشاورزی و بهبود سازماندهی بازار محصولات، موجبات افزایش درآمد زراعی و افزایش تولید محصولات را فراهم آورند. برای پایش این طرح، سه واحد مجزای پایش و ارزیابی برای هر یک از پروژه ها پیشبینی شده بود که زیر نظر یک واحد مرکزی و مورد حمایت فنی و پشتیبانی این واحد قرار داشتند. عمل پایش با بازدیدهای هفتگی از محل و تهیه گزارشها صورت می گرفت. علاوه بر این، اگر موضوع خاصی پیش می آمد درباره آن اطلاعاتی به تفصیل جمع آوری می شد. فعالیت پایش بیشتر روی درآمد زراعی، گسترش اراضی زیرکشت و افزایش تولید محصولات کشاورزی تأکید داشت. نظام پایش ایجاد شده، اطلاعات وسیعی را جمع آوری کرد، با این حال، به خاطر فرایند محاسباتی و مشکلات اداری مربوط، اغلب نتایج به دست آمده در فاصله زمانی طولانیتری در اختیار مدیریت پروژه قرار می گرفت. از این رو به نظر می رسید، که ارزیابی پروژه، ارتباط اندکی با داده های وسیع جمع آوری شده در نظام پایش دارد.

برنامه پایش و ارزیابی در پروژه توسعه یکپارچه روستایی در سائمانول اوندونگ^۱ (کره)

این پروژه در زمینه ایجاد زیربنای در منطقه سائمانول اوندونگ کره به اجرا درآمده است و شامل ایجاد جاده های دسترسی به مزارع و جاده های روستایی، زمینهای بازی، ایجاد مغازه ها، حفر چاه و پروژه های کوچک آبیاری و عرضه آب و ... است که از طرف روستاییان و دولت حمایت شده است. این پروژه باید در زمانهای غیرکاری کشاورزی به اجرا در می آمد. هدف اولیه در پایش و ارزیابی پروژه پیشگفته، تهیه اطلاعات مربوط به پیشرفت اجرای پروژه است که از طریق مطالعه مستندات رسمی مربوط به دست می آمد. همچنین فعالیت پایش در این پروژه در سطوح مختلفی انجام گرفته است؛ در سطح روستایی بر ثبت روزانه و هفتگی داده ها و نهادهای پروژه از جمله نیروی کار روستا و ستانده های مربوط متمرکز بوده و در سطوح بالاتر، شامل بازدید از محل، تشکیل جلسات، تهیه گزارشهای فصلی شش ماهه و سالانه جهت ارسال به مرکز و محاسبه شاخصهای مربوط به سطوح روستایی بوده است.

فعالیت پایش پروژه سائمانول اوندونگ عمدتاً به عملکرد کارکنان پروژه مربوط می شد که بر اساس سیستم ثبت به نسبت ساده ای از بازدیدهای محلی و محاسبه و ارائه گزارش از تعداد محدودی از شاخصهای مربوط به پروژه انجام می گرفت.

پروژه سائمانول در زمینه سه فعالیت عمده زیر به انجام رسید:

۱. ترغیب و تشویق مردم روستا به انجام امور از طریق کمک به یکدیگر، همکاری و مشارکت،
 ۲. ایجاد تشکلهایی در سطح روستا برای توسعه جنگل کاری از طریق آموزش رهبران روستایی،
 ۳. انجام پروژه های متعدد جهت بهبود ساختارهای فیزیکی و اجتماعی در سطح روستا.
- ارزیابی پروژه سائمانول در سطوح مختلف روستا، بخش و شهرستان و به دنبال فعالیت پایش انجام می گرفت و دارای هدفهای متعددی بود. ارزیابی مداوم در سطح روستا، با مقایسه توانایی عملکرد روستاها، موجبات یادگیری روستاها از یکدیگر و ایجاد انگیزش جهت رقابت با یکدیگر را فراهم می آورد و نیز سبب

معرفی معیار صحیحی برای اجرای کارآمدتر پروژه‌ها می‌شد. این ارزیابی مداوم، کل روستا را به عنوان یک واحد در نظر می‌گیرد و بر یک پروژه به طور مجزا تأکید نمی‌کند و نتایج آن نیز سبب پدید آمدن فرصتی مناسب برای آموزش روستاهای دیگر و در نتیجه، عملکرد بهتر آنها و حتی انگیزش و تشویق دیگر روستاها می‌شود. ارزیابی در سطح بخش نیز مفید بوده است. ارزیابی در این مرحله موجب هدایت فعالیتهای توسعه‌ای در جوامع روستایی توسط ظرفیتهای مدیریتی و اداری محلی می‌شود و آنها را در انجام بهتر فعالیتهای خدماتی و پشتیبانی پروژه یاری می‌دهد. انجام ارزیابی مداوم در سطح شهرستان نیز جهت تهیه اطلاعاتی است که دولتهای محلی و مرکزی بتوانند براساس آنها به ارزیابی عملکرد ادارات شهرستانی و محلی و آثار پروژه‌ها در توسعه منطقه بپردازند و در نهایت، سیاستهای اصلاحی را برای سالهای آینده اتخاذ کنند.

فناوریا و ابزارهای پایش و ارزیابی پروژه‌های توسعه روستایی

ارزیابی آثار زیست‌محیطی و کشاورزی فعالیتهای منتخب، بهبود نظام زراعی و مدیریت منابع طبیعی، تعیین میزان هدفهای حاصل شده، نظیر افزایش درآمدها، کاهش فرسایش خاک، کاهش نیاز به نیروی کار و بهبود پوشش گیاهی، براساس مقایسه قبل و بعد یافته‌های سرمزرعه انجام می‌گیرد و همانند تمام ارزیابیهای مشارکتی، واقعیتها را با دیدگاه نظری مقایسه می‌کند.

فنون و ابزار ارزیابی که در چارچوب پروژه‌های PUCD¹ به کار می‌رود، به شرح زیر است:

۱. مباحثه گروهی و موضوعی

در این روش، در جلساتی که با حضور مشارکت‌کنندگان تشکیل می‌شود، در زمینه مسائل و مشکلات موجود پیرامون موضوع مورد نظر به بحث و گفتگو پرداخته می‌شود. پرسشهای اصلی ارزیابی که در این گونه جلسات مطرح می‌شود عبارت است از: چه کاری را دوست دارید در مورد ... انجام دهید؟ (ندیدید؟) محدودیتها و مشکلات عمده چه چیز است؟ مایلید چه مقدار سرمایه‌گذاری در این فعالیت انجام دهید؟ انتظار دارید چه نتیجه‌ای از آن حاصل شود؟ انتظار دارید تا چه اندازه به هدفها دست یابید؟ و غیره. مباحثه گروهی مکرر، عملی چند منظوره است که اغلب در انواع ارزیابیها از آن استفاده می‌شود و مجموعه‌ای را فراهم می‌سازد که می‌توان تکنیکهای ارزیابی خاصی را نیز در آن به کار برد.

۲. مشاهدات در محل

برای ارزیابی کیفیت فنی کارهای فیزیکی مشاهدات مستقیم همیشه مناسبتر از گزارشهای شفاهی است. براساس این اصول، که با ارزیابی غیررسمی توأم با مشارکت کشاورزان سازگاری بسیار دارد، گروههای مشارکت‌کننده برای قضاوت در مورد نکات منفی و مثبت کارهای پایان یافته به محل می‌روند. سئوالات و تأثیرپذیریهای متقابل، زمینه مشارکت بیشتر افراد را برمی‌انگیزد و به تجزیه و تحلیل و علتیابی مشاهدات می‌پردازد ضمن آنکه معیارهای ساده‌ای نیز از این طریق به دست می‌آید (مانند میزان پوشش مجدد گیاهان، استمرار کنترل فرسایش خاک و میزان آب تهیه شده با سیستمهای مختلف عرضه).

۳. تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصتها و محدودیتها^۲

تحلیل SWOL^۲ شامل پرسش از مشارکت‌کنندگان برای شناسایی نکات مثبت (قوت)، نکات منفی

1. Participatory Upland Conservation and Development
2. Strengths, Weaknesses, Opportunities, Limitation (SWOL)

(ضعف)، نکاتی که می‌تواند بهبود یابد (فرصتها) و نکاتی که نمی‌تواند بهبود یابد (محدودیتها) می‌شود. تحلیل SWOL برای فرایند ارزیابی که بر عملکرد گروهی تأکید می‌کند مناسبتر است، ولی برای ارزیابی، نتایج اجرا نیز به کار می‌رود. این کار با فهرست کردن هدفهای به دست آمده به عنوان نقاط قوت و هدفهای به دست نیامده به عنوان نقاط ضعف انجام می‌شود. فهرست، نقاط ضعف و قوت در تشخیص مسائل پیش روی اجرا و یافتن راه‌حل‌های ممکن بسیار مفید است.

۴. تعیین و محاسبه شاخصهای کلیدی

این روش، برای تعیین آثار اجتماعی فعالیتهای عمومی در مقیاسهای کوچک، تأثیر زیستمحیطی فعالیتهای مدیریتی زمین و پیشرفتهای نسبی، یعنی تنوع محصول و غیره کاربرد دارد. در این روش فهرستی از هدفها و برای هر هدف، شاخصهایی مناسب تهیه می‌شود. به منظور ارزیابی هر یک از شاخصها از معیارهای عددی یک تا پنج برای قضاوت در مورد طبقه‌بندی شاخصها به صورت خیلی خوب، خوب، قابل قبول، ضعیف و بد برای فعالیتهایی که انجام می‌شود استفاده می‌گردد.

۵. تحلیل مشکلات، علل و راه‌حل‌ها

این روش، اغلب همراه با روش تعیین و محاسبه شاخصهای کلیدی است و برای تحلیل فعالیتهایی اجرایی به کار می‌رود که با مشکلات بخصوصی مواجه شده است. مشارکت‌کنندگان در جلسات مباحثه گروهی مکرر، مسائل عمده‌ای را که در اجرا با آن مواجه شده‌اند توضیح می‌دهند، دلایل آن را شناسایی می‌کنند و فهرستی از راه‌حل‌های ممکن فراهم می‌آورند. این تکنیک، از لحاظ حل مشکلات اجرایی و یافتن راه‌حل‌های مناسب بسیار مفید است.

۶. تحلیل هزینه - فایده

هدف از اجرای هر پروژه، بالا بردن رفاه اجتماعی مورد نظر است. باید توجه داشت که تغییرات رفاه جامعه براساس تمایل افراد به پرداخت اندازه‌گیری می‌شود؛ یعنی مبلغی که مایلند برای فواید حاصل از یک پروژه بپردازند و یا مبلغی که مایل به قبول آن به عنوان جبران خسارتی که به آنها تحمیل شده، هستند. پروژه‌ای که فواید اجتماعی از هزینه‌های اجتماعی آن بالاتر باشد تأثیر مثبتی بر رفاه اجتماعی خواهد داشت. تقریباً هر تحلیل هزینه - فایده‌ای به نحوی از معیار بهبود بالقوه پارتو^۱ به نحوی استفاده می‌کند. در اساسترین سطح یک تحلیل هزینه - فایده از یک پروژه لازم است آثار طرح روی رفاه شخصی تمام اعضای جامعه شناخته شود. برای انجام محاسبات و مقایسه می‌باید این تأثیرات با واحد مشترکی اندازه‌گیری شود. بنابراین، روش معمول اندازه‌گیری تغییرات رفاه اجتماعی، معیار بهبود بالقوه پارتو است که در متن تحلیل هزینه-فایده نهفته است.

۷. زبان تصویر و آلبوم عکس

مشارکت‌کنندگان و کارمندان پروژه برای مستندسازی فعالیتهای نتایج به دست آمده، عکسهایی تهیه می‌کنند و سپس برای شروع مباحث گروهی مکرر، از این عکسها استفاده می‌کنند. این روش اغلب به عنوان روش داخلی برای نشان دادن وضعیت مشاهدات میدانی به کار می‌رود. اسلایدهای تهیه شده، برای ارزیابی کار گروههای اجتماعی و کارگروههای برنامه‌ریزی شده، جزئیات بیشتری را می‌تواند نشان دهند. این روش برای

ارزیابی مجدد کارگروه‌های اجتماعی و کارگروه‌های برنامه‌ریزی بسیار مناسب است، زیرا احساسات اجتماعی را برمی‌انگیزد.

۸. تغییر در نقشه برداری

این روش با پرسش از مشارکت‌کنندگان برای شناسایی تغییرات اجتماعی و زیستمحیطی حاصل از یک فعالیت (مانند تهیه آب سالم، تهیه زمین با کنترل فرسایش خاک، جنگل‌کاری نواحی و غیره) و نشان دادن آن در نقشه مزرعه یا اجتماع، با استفاده از الگوهای مناسب انجام می‌شود.

نقشه‌های گروه‌های اجتماعی برای ارزیابی اولیه مورد استفاده واقع می‌شود (تأثیر فعالیتها توسط مشارکت‌کنندگان ترسیم می‌شود). تغییر نقشه برداری برای خلاصه کردن و بازنگری تلاشهای توسعه‌ای گروه‌های اجتماعی بسیار مفید است.

نمونه‌ای از چگونگی انجام ارزیابی و پایش پروژه‌های انجام شده در کشورهای مختلف با استفاده از روشهای پیشگفته به شرح الگوهای ۱ و ۲ و ۳ است.

تحلیل هزینه - فایده ساده و غیررسمی فعالیت‌های درآمدزا در برون‌دی، بولیوی و پاکستان نشان داده است که منافع حاصل، هزینه سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را جبران کرده و مدیریت تولیدی، مالی و بازار نیز در جهت کاهش هزینه‌ها و افزایش منافع به کار رفته است.

در بولیوی و پاکستان، مشارکت‌کنندگان برای آنکه نهاده‌ها و سئوالات فعالیت‌های درآمدزایشان را برآورده کنند، از این تحلیل بهره‌بردارند و با مقایسه هزینه‌ها و درآمدها، مشکلات ایجاد درآمد و روشهای غلبه بر آن را تعیین کردند.

الگوی شماره ۱. روش ارزیابی آثار مشارکت بر توسعه روستایی برای پروژه تولید بذر

سیبزمینی در روستای بالا ویستا - کشور بولیوی

چه نتایج خوبی به دست آمده است؟	چه مسائلی پیش آمده است؟	چگونه این مسائل در آینده رفع می‌شود؟	محدودیت‌های کنترل‌نشده کدام است؟
۱. افزایش ۷۵ درصد درآمدها	۱. تولید تحت تأثیر بارندگی است.	۱. کاشت بعد از فصل بارندگی شروع شود ۱. واز قطعاتی بازه‌کشی بهتر استفاده شود.	۱. هوا
۲. ساخت انبارهای بذر (سیلو)	۲. انبارهای آماده شده در مزرعه بودند به گونه‌ای که انتقال بذر به سیلو بسیار کاربر بود.	۲. مساحت سیلوهای فردی کوچکتر و نزدیک به زمین‌ها باشد.	۲. هزینه بالای مساحت سیلوهای فردی
۳. ثابت‌شدن کمیاریهای حفاظت خاک مؤثر است.	۳. مقدار زیادی نیروی کار مورد نیاز است.	۳. تشویق کمک‌های متقابل میان اعضای گروه‌ها	۳. وقت ناکافی
۴. وام‌ها توسط اعضای گروه بازپرداخت شده است.	۴. بعضی از اعضای گروه از نام‌ها اعتباری کنار کشیدند.	۴. قوانین به صورت ساده‌تری تنظیم شود.	۴. قدرت ناکافی برای افعال قانون

تذکر: این روش در سال ۱۹۹۴ جهت ارزیابی یک پروژه تولید کشاورزی در روستای بالا ویستا در کشور بولیوی مورد استفاده قرار گرفته است.

Source: Food and Agricultural Organization (1997), Developing participatory and intergrated watershed management.

الگوی شماره ۲. روش ارزیابی مشارکت مردمی در پروژه‌های توسعه روستایی با استفاده از تعیین و محاسبه شاخصهای کلیدی

نمره (رتبه)*	شاخصها	هدفها
(۵) خیلی خوب	تعداد ساعت‌های ذخیره شده: یک ساعت در روز به خاطر آسان شدن نظافت محوطه صرفه‌جویی شده است.	ذخیره زمان
(۵) خیلی خوب	مگسهای موجود: در محوطه تعداد کمی مگس دیده می‌شود، زیرا در محوطه مدفوع کودکان و زباله دیگر دیده نمی‌شود.	بهبود شرایط بهداشتی
(۴) خوب	سرپناه اختصاصی زنان: همه توالت‌ها شامل این بهبود وضعیت شده‌اند.	بهبود سرپناه و ایجاد حفاظ در برابر برف و باران
(۴) خوب	تعداد توالت‌های ساخته شده: بعد از توضیح اولیه در محوطه، چهار توالت بیشتر در روستا ساخته شد.	ساخت توالت در سراسر روستا

* نمره منظور شده برای ارزیابی تحقق هدفهای پروژه از ۱ تا ۵ بوده است.

تذکر: این روشها برای ارزیابی میزان مشارکت روستاییان در پروژه‌های ساخت توالت‌های بهداشتی در کشور پاکستان توسط رضا محمد در سال ۱۹۹۵ مورد استفاده قرار گرفته است.

Source: Food and Agricultural Organization (1997), Developing participatory and intergrated watershed management.

الگوی شماره ۳. روش ارزیابی آثار مشارکت مردمی بر توسعه روستایی با استفاده از تحلیل مشکلات، علل و راه‌حل‌ها

راه حل‌ها	دلایل	مشکلات
- سوه‌نعام‌های پدید آمده در سیاست‌بخش جنگلداری باید روشن شود. - قدرتمندان محلی (مانند پنبج ریش سفید روستا) باید شرایط مطمئن برای حفاظت از مناطق را فراهم آورند.	- وجود شایعه‌ای مبنی بر تصرف اراضی‌ای که در آن گیاهان خوب رشد می‌کنند، توسط بخش جنگلداری. - ناآگاهی والدین از عمل کودکائی که دام‌ها را به مناطق حفاظت شده می‌آورند.	- چرای غیرقانونی در مناطق حفاظت شده

تذکر: این روش توسط آقای هدی در سال ۱۹۹۶ برای ارزیابی میزان مشارکت روستاییان در یک پروژه آمیختداری در پاکستان به کار رفته است.

Source: Food and Agricultural Organization (1997), Developing participatory and intergrated watershed management.

روش منتخب پایش و ارزیابی طرح توسعه حوزه آبخیز حبله‌رود

در این بخش با استناد به مطالب ارائه شده پیرامون مجموعه روش‌های پایش و ارزیابی^۱ فعالیت‌های مشارکتی توسعه، که در کشورهای مختلف جهان انجام گرفته است، روش نسبتاً مناسبی برای ارزیابی اقتصادی نتایج فعالیت‌های اجرایی در طرح موسوم به توسعه پایدار منابع آب و خاک در قالب سه پروژه آبخیزداری، بیابان‌زدایی و کشاورزی ارائه شده است. این روش که در آن تلاش می‌شود نتایج و پیامدهای ناشی از سرمایه‌گذاری انجام شده و فعالیت‌های آموزشی مربوط بر سطح زندگی و رفاه خانوارهای روستایی، احیای منابع طبیعی موجود، افزایش بهره‌وری منابع و عوامل تولید و کاهش فقر و محرومیت و در نهایت توسعه یکپارچه روستا بر اساس سازوکار مشارکت روستاییان اندازه‌گیری شود، می‌باید توانایی ارزیابی و تعیین نتایج مورد نظر را داشته باشد. بدین منظور با توجه به محدودیتهای موجود اطلاعاتی و حجم محدودیت عملیات اجرایی در این پروژه‌ها، روش تعیین و محاسبه شاخصهای کلیدی، مناسبترین روش ارزیابی تشخیص داده شده است. در این روش، تعیین و محاسبه شاخصهای کلیدی بر اساس مطالعه مستندات طرح و مشاهدات میدانی، شاخصهای مناسب جهت پایش طرح، شناسایی و طی مراحل بعدی سئوالات و پرسشهای مناسب برای محاسبه شاخصهای مورد نظر طراحی شده است. با تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه فردی و گروهی، شاخصهای پیشگفته محاسبه و تجزیه و تحلیل شده است.^۲

مروری بر ساختار اقتصادی، اجتماعی حوزه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه در حوزه آبخیز حبله‌رود قرار دارد و شامل ۲۱ روستای واقع در قسمت شمالی حوزه، بین شهرستانهای دماوند و فیروزکوه و مناطق جنوبی حوزه در شهرستان

1. Monitoring and Evaluation

۲. با توجه به در حال اجرا بودن بخشهایی از پروژه و گذشت مدت کمی از پایان برخی دیگر از پروژه‌ها، نتوانستیم در ارزیابی کنونی پروژه‌ها از همه شاخصهای ارزیابی استفاده کنیم.

گرمسار است. جمعیت این منطقه بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۶۸۵۱ نفر مشتمل بر ۱۶۵۰ خانوار ساکن بوده است. از این تعداد، ۴۲۹۱ نفر، یعنی ۹۲۶ خانوار، در ۸ روستای مناطق شمالی حوزه و ۲۵۶۰ نفر، یعنی ۷۲۴ خانوار، در ۱۳ روستای مناطق جنوبی ساکن بوده‌اند.

بررسی تحولات جمعیتی طی سالهای ۱۳۶۵ - ۷۵ در این مناطق نشان می‌دهد که جمعیت منطقه به طور متوسط با نرخ رشد منفی ۳ درصد در سال روبه‌رو بوده به طوری که تعداد آن از ۸۰۱۶ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۶۸۵۰ نفر در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

بررسی این تغییرات در مناطق شمالی و جنوبی نشان می‌دهد که نرخ کاهش جمعیت در مناطق جنوبی شدت بیشتری داشته است، به طوری که متوسط نرخ کاهش جمعیت در این مناطق، ۴ درصد و در روستاهای مستقر در حوزه شمالی، ۲/۵ درصد بوده است.

از دیگر ویژگیهای جمعیتی روستاهای مورد بررسی می‌توان به بعد خانوار اشاره کرد. متوسط بعد خانوار در این روستا در سال ۱۳۷۵ معادل ۴/۱ نفر، در مناطق شمالی ۴/۶ نفر و در مناطق جنوبی ۳/۵ نفر بوده است. این تفاوت ناشی از افزایش روند مهاجرت در روستاهای مناطق جنوبی است. بیشترین بعد خانوار در این منطقه مربوط به روستای عبدالآباد با متوسط ۵/۷ نفر و کمترین آن روستای ده‌مک و ایچ با ۲/۳ نفر بوده است. در مناطق شمالی بیشترین بعد خانوار با ۵/۴ نفر مربوط به روستای ارو، و کمترین آن روستای دهنار با ۲/۸ نفر بوده است.

متوسط سن جمعیت حوزه مورد بررسی، ۳۸/۸ سال، در روستاهای شمالی حوزه، ۳۶/۲ سال و در روستاهای جنوبی، ۴۱/۴ سال بوده است. بررسی این تغییر در میان تک‌تک روستاهای منطقه نشان می‌دهد که در روستاهای جنوبی به علت مهاجرت شدید جمعیت جوان روستاها به مناطق شهری، متوسط سنی جمعیت افزایش یافته است. این پدیده به عنوان یکی از مسائل توسعه در روستاهای یاد شده محسوب می‌گردد.

پدیده جوانی جمعیت در روستاهای شمالی حوزه نیز نکات خاصی را به برنامه‌ریزان گوشزد می‌کند. از یک طرف این پدیده حکایت از توان و استعداد بالقوه قابل توجهی برای توسعه منطقه

دارد و از طرف دیگر بیانگر رشد نیازهای اقتصادی و اولیه جمعیت یعنی ایجاد فرصتهای شغلی جدید و نیازهای آموزشی و بهداشتی در روستاهاست، که بی توجهی در برنامه ریزی مناسب برای این منظور ممکن است نتایج منفی و فرسایشی برای محیط روستاهای مورد مطالعه داشته باشد.

بررسی وضعیت نیروی انسانی شاغل در روستاهای مورد بررسی نشان می‌دهد که از کل جمعیت ساکن، ۵۵۱۳ نفر در سن فعالیت یعنی رده سنی ده سال به بالا قرار داشته‌اند. تعداد شاغلان منطقه براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ معادل ۱۷۸۴ نفر بوده است که از این تعداد، ۱۱۳۶ نفر در روستاهای حوزه شمالی و ۶۴۸ نفر در روستاهای حوزه جنوبی ساکن بوده‌اند. بررسی توزیع شاغلان در میان روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که روستاهای لزور، لاسجرد، حصاربن و جلیل آباد به ترتیب با تعداد ۶۱۱ نفر، ۳۰۱ نفر، ۲۱۴ نفر و ۲۱۳ نفر شاغل بیشترین شاغلان منطقه را داشته‌اند. در این میان روستای لزور با داشتن ۶۱۱ نفر شاغل، نزدیک ۳۴/۲ درصد از کل شاغلان منطقه و ۵۳/۷ درصد از کل شاغلان روستاهای حوزه شمالی را به خود اختصاص داده است. روستاهای امامزاده زید، ارو و جوین نیز به ترتیب با تعداد ۱ نفر، ۶ نفر و ۱۲ نفر شاغل، کمترین تعداد شاغلان را در میان روستاهای مورد مطالعه دارا بوده‌اند.

مقایسه آمار شاغلان با تعداد جمعیت ساکن در روستاها نشان می‌دهد که بار تکفل در روستاهای منطقه برابر ۳/۸ نفر بوده است. این شاخص در روستاهای حوزه شمالی ۳/۷۷ نفر و در مناطق جنوبی ۳/۹۵ نفر بوده است که بیانگر فشار اقتصادی بیشتر بردوش شاغلان خانوارها در روستاهای منطقه جنوبی است. این مسئله از طرفی ممکن است گویای وضعیت نامناسبتر اقتصادی و معیشتی خانوارهای ساکن در اراضی جنوبی حوزه باشد. بیشترین میزان بار تکفل در این مقطع به ترتیب با ارقامی معادل ۷ نفر و ۵/۲ نفر مربوط به روستاهای امامزاده زید و عبدالآباد و کمترین میزان بار تکفل به ترتیب معادل ۱/۶ نفر و ۲/۶ نفر مربوط به روستاهای ایچ و دهنار بوده است.

بررسی ترکیب اشتغال در میان خانوارهای روستایی منطقه نشان می‌دهد که از کل

شاغلان منطقه، ۱۶۶۱ نفر یعنی ۹۳ درصد را مردان و ۱۲۲ نفر بقیه (۷ درصد) را زنان تشکیل می دهند. مقایسه این تعداد شاغلان و تعداد جمعیت نشان می دهد که میزان نرخ مشارکت مردان و زنان به ترتیب معادل ۴۵ درصد و ۱۰ درصد بوده است.

مقایسه میزان مشارکت زنان در مناطق بالادست و پایین دست منطقه نشان دهنده آن است که مشارکت و نقش اقتصادی زنان در مناطق پایین دست حوزه در مقایسه با مناطق بالادست بیشتر بوده است. در این زمینه میزان نرخ مشارکت در مناطق شمالی و جنوبی به ترتیب معادل ۳/۲ درصد و ۳/۶ درصد بوده است.

بررسی وضعیت سواد و تحصیلات جمعیت منطقه نشان می دهد که تعداد ۴۳۸۷ نفر از جمعیت منطقه، یعنی ۶۴ درصد را باسوادان تشکیل داده اند. این نرخ در میان زنان و مردان منطقه به ترتیب معادل ۵۶/۲ درصد و ۷۲/۷ درصد بوده است.

مقایسه وضعیت سواد و تحصیلات در مناطق بالادست و پایین دست بیانگر ۶۶ درصد نرخ باسوادی در روستاهای شمالی و ۶۱ درصد در روستاهای جنوبی است. بیشترین نرخ باسوادی ۷۵ درصد و مربوط به روستای زنان و کمترین آن ۱۸ درصد مربوط به روستای عبدالآباد بوده است. همچنین بیشترین نرخ باسوادی زنان، با رقمی معادل ۹۰ درصد مربوط به روستای زنان و کمترین آن ۴ درصد مربوط به روستای جوبین بوده است.

بررسی وضعیت اراضی کشاورزی زیرکشت در منطقه مورد بررسی نشان دهنده آن است که در سال ۱۳۷۲ میزان کل اراضی زیرکشت روستاهای مورد بررسی معادل ۳۳۱۷/۵ هکتار بوده است که از این میزان اراضی، ۱۱۲۶ هکتار (۳۳/۹ درصد) مربوط به ۸ روستای انتخابی در اراضی بالادست و ۲۱۹۱/۵ هکتار (۶۶/۱ درصد) مربوط به ۱۳ روستای مورد مطالعه در مناطق جنوبی بوده است. بررسیها نشان می دهد که روستاهای لاسجرد، لزور، ده فک و جلیل آباد به ترتیب با داشتن اراضی معادل ۹۷۶ هکتار، ۵۵۹ هکتار، ۴۸۹ هکتار و ۲۲۶ هکتار بیشترین سطح اراضی را در میان روستاهای مورد مطالعه داشته اند. اراضی مذکور بیشتر به صورت آبی کشت می شود و گندم، جو، سیب زمینی، حبوبات و محصولات باغی، مهمترین محصولات تولیدی

این منطقه بوده است. متوسط میزان اراضی هر خانوار ۲ هکتار بوده است که خود حاکی از مقیاس کوچک تولید کشاورزی در این منطقه است. این نسبت برای روستاهای منطقه بالادست معادل $1/2$ هکتار و برای روستاهای پایین دست معادل ۳ هکتار است که خود گویای کمبود میزان اراضی در دسترس، در روستاهای بالادست و به تبع آن محدود بودن مقیاس تولید بوده است. بیشترین میزان اراضی زیرکشت هر خانوار با رقمی معادل $21/5$ هکتار مربوط به روستای ارو و کمترین آن $0/44$ هکتار مربوط به روستای زرnan بوده است.

مقایسه میزان اراضی زیرکشت و تعداد جمعیت ساکن در روستا نشان می دهد که به طور متوسط به ازای هر نفر روستایی در روستاهای مورد مطالعه، $0/48$ هکتار زمین زیرکشت وجود داشته است. این نسبت در روستاهای بالادست معادل $0/26$ هکتار و در روستاهای پایین دست معادل $0/85$ هکتار بوده است. بیشترین میزان نسبت اراضی به ازای هر نفر $4/57$ هکتار مربوط به روستای ده نمک و کمترین آن $0/2$ هکتار مربوط به روستای حصاربن بوده است.

مطالعه وضعیت فنی و تکنولوژیکی فعالیتهای زراعی در این روستاها نشان داده است که تعداد ۷۴ دستگاه ماشین آلات کشاورزی اعم از تراکتور، کمباین و ... در اختیار کشاورزان قرار داشته است که از این تعداد ۴۰ دستگاه در روستاهای جنوبی (۵۴ درصد) و ۳۴ دستگاه در مناطق شمالی کار می کرده است. با این حال با توجه به وسعت و حدود اراضی زیرکشت خانوارها، و همچنین تعداد کم ماشین آلات کشاورزی مورد استفاده می توان گفت که ساختار و نظام کشاورزی منطقه، سنتی و غیرمدرن است که در نهایت، بازدهی پایین تولید از نظر اقتصادی، فقر درامدی و توسعه نیافتگی روستایی برای جمعیت این روستاها از آثار و نمود آن می باشد.

به طور کلی نتایج این بررسی آماری نشان می دهد که در روستاهای فوق، به علل گوناگون که تماماً نتیجه وجود یک ساختار توسعه نیافتگی در منطقه، نبود فرصتهای شغلی مناسب، فقر اقتصادی، نبود امکانات زیربنایی لازم و مناسب از قبیل جاده، حمام، مدرسه و ...، سطح پایین اراضی قابل کشت، ساختار سنتی تولید، نبود تحرک و پویایی تولید، و ... است، جمعیت

رو به کاهش است. اگرچه روستاهای مورد مطالعه از نظر امکانات و پتانسیلها، بخصوص نیروی انسانی فعال، در حال حاضر از وضعیت نسبتاً مناسب (بویژه در مناطق شمالی) برخوردارند، اما بی توجهی به این فعالیتها و پتانسیلها نه تنها ممکن است منجر به ادامه و تشدید وضعیت توسعه نیافتگی گردد، بلکه سرانجام زمینه‌های تسریع فرایند تخریب منابع آب و خاک منطقه و بیابانی شدن و تخلیه کامل جمعیت این منطقه را نیز به دنبال خواهد داشت.

تجزیه و تحلیل و ارزیابی اقتصادی در پروژه آبخیزداری حبله رود

در این بخش از مقاله با استفاده از نتایج و داده‌های جمع‌آوری شده از ۱۶۸ نفر از روستاییان ساکن در ۲۱ روستای نمونه مورد بررسی، آثار اقتصادی اجرای برنامه‌های مدیریت پایدار منابع آب و خاک در حوزه آبخیز حبله رود تجزیه و تحلیل و ارزیابی گردیده است. این تجزیه و تحلیل در قالب ارزیابی آثار اجرای طرح بر موارد زیر انجام گرفت:

- افزایش میزان شناخت روستاییان از مشکلات اصلی محل زندگی خود و مخاطراتی که نظام اقتصادی و معیشتی آنان را تهدید می‌کند،

- افزایش جلب مشارکت اقتصادی روستاییان بویژه زنان و جوانان در فعالیتهای عمرانی و اجرایی روستا،

- افزایش ظرفیتهای تولید، اشتغال و پس‌انداز روستاییان و کاهش میزان فقر و محرومیت در روستا،

- شناخت روستاییان از محدودیتهای و تنگناهای مشارکت آنان در اجرای پروژه‌ها،

- نحوه و میزان انتظارات روستاییان از دولت در اجرای پروژه‌های عمرانی روستایی.

نتایج جمع‌بندیهای حاصل از پرسشنامه‌ها و گفتگو با روستاییان نشان می‌دهد که حدود ۴۶/۴ درصد ایشان، سیل و ۳۹/۳ درصد، خشکسالی را مهمترین خطرات طبیعی تهدیدکننده روستا به شمار می‌آورند. روشن است این دو پدیده طبیعی، بویژه سیل، ناشی از تخریب مراتع و سطح فزاینده فرسایش خاک در حوزه مورد مطالعه بوده است. تفکیک نتایج در دو ناحیه شمالی و

جنوبی حوزه حاکی از این است که ۴۵/۵ درصد از ساکنان ناحیه شمالی و ۴۷/۱ درصد از ساکنان ناحیه جنوبی منطقه، سیل را مهمترین تهدید طبیعی محل سکونت خود می‌دانند (جدول شماره ۱). اهمیت سیل به عنوان یک خطر طبیعی عمده در محدوده مطالعه موجب شده است که اکثریت پاسخ‌دهندگان اجرای عملیات آبخیزداری در منطقه را ضرورتی اساسی در عمران و توسعه روستایی تلقی کنند. براساس نتایج به دست آمده، ۸۹/۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان اجرای پروژه آبخیزداری را مورد تأکید قرار داده‌اند. در مورد عملیات آبخیزداری، ۱۰۰ درصد پاسخ‌دهندگان در ناحیه شمالی به اهمیت ضرورت این گونه عملیات اعتقاد داشته‌اند، در حالی که این رقم در ناحیه جنوبی ۸۲/۳ درصد بوده است. این در شرایطی است که ناحیه جنوبی، بیشتر از ناحیه شمالی در معرض خطر سیل قرار دارد. یکی از دلایلی که می‌توان برای این اختلاف نظر در دو ناحیه برشمرد، بدتر بودن وضعیت زیربنایی و اقتصادی ناحیه جنوبی در مقایسه با ناحیه شمالی است. شرایط بدتر اقتصادی و کمبودهای شدید زیربنایی در ناحیه جنوبی سبب شده است که کوشش در جهت بهبود این شرایط، اولویت نخست ساکنان باشد و عملیات آبخیزداری در اولویت‌های بعدی قرار گیرد (جدول شماره ۱).

در هر دو ناحیه شمالی و جنوبی حوزه مورد مطالعه، مشکلات اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین مسائل و نگرانی‌های عمده ساکنان معرفی شده است. شیوه تولید سنتی، محدودیت مراتع و زمینهای قابل کشت، فرسایش شدید خاک و کمبود آب، به عنوان منبع حیات روستایی، از جمله مهمترین عوامل نابسامانی‌های اقتصادی و معیشتی حوزه به شمار می‌آیند. این گونه عوامل فرصتهای شغلی جدید را محدود کرده و رقابت شدید بر سر تصاحب این فرصتهای محدود، نیروی کار را از روستاها به شهرهای بزرگ گسیل داشته است. کمبود تأسیسات زیربنایی برای جمع‌آوری محصول و رساندن آن به بازارهای مصرف باعث تشدید مشکلات شده که این خود وضعیت بد اقتصادی خانوارها را وخیم‌تر کرده است.

جدول شماره ۱. خطرات و مشکلات اصلی روستا و راهکارهای مقابله با آن

شرح	کل ناحیه	مناطق شمالی	مناطق جنوبی
چه خطراتی روستا را تهدید می‌کند:			
- سیل	۲۶/۴	۴۵/۵	۴۷/۱
- خشکسالی	۳۹/۳	۴۵/۵	۳۵/۵
مشکل اصلی مردم روستا در چه زمینه‌ای است:			
- کشاورزی	۱۰	۰	۱۷/۶
- دامپروری	۱۸	۱۸	۱۷/۶
- کشاورزی و دامپروری	۷۱/۴	۸۲	۶۴/۷
روستاییان تا چه اندازه عملیات آبخیزداری را مناسب می‌دانند:			
- بسیار زیاد	۶۷/۸	۷۲/۵	۶۴/۷
- زیاد	۲۱/۴	۲۷/۵	۱۷/۶
- کم	۰	۰	۰
- بسیار کم	۰	۰	۰
تأمین چه نیازهایی را به جای عملیات آبخیزداری پیشنهاد می‌کنید:			
- راه سازی	۲۵	۱۸	۳۰
- طرحهای آبیاری و کشاورزی	۳/۶	-	۶
- ایجاد کارگاهها تولید	۱۶/۸	۱۸	۱۶
چه پیشنهادی برای حفظ مراتع دارید:			
- تعدیل دام	۴۶/۴	۳۶/۴	۵۲/۹
- قرق بندی	۵۳/۶	۷۲/۷	۴۱/۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یکی از راهکارهای مناسبی که پاسخ‌دهندگان برای حل مشکلات ارائه داده‌اند، مشارکت و همیاری همگانی است که به شکل سنتی آن، در اغلب فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی روستاهای منطقه کاربرد داشته است. بررسی جامعه آماری نمونه در روستاهای حوزه نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد از فعالیتهای اجتماعی روستا از قبیل جشنها و سوگواریها با مشارکت و همیاری همه افراد

برگزار می‌شود. این نسبت برای فعالیتهای اقتصادی و عمرانی روستا مثل کاشت، برداشت، لایروبی نهرها و قناتها، احداث و مرمت جاده‌ها و غیره ۸۰ درصد گزارش شده است.

یکی از ویژگیهای کارساز این گونه مشارکتهای سنتی، ارادی و داوطلبانه بودن آنهاست که ۹۶ درصد از پاسخ‌دهندگان، این ویژگی را مورد تأکید و تأیید قرار داده‌اند. در اجرای عملیات آبخیزداری این طرح نیز کوشش شده است که از مشارکت روستاییان حداکثر استفاده به عمل آید. برای جلب این گونه مشارکتهای، که به صورت نقدی و غیرنقدی انجام پذیرفته، روشهای گوناگونی به کار گرفته شده است. به نظر پاسخ‌دهندگان، از میان روشهای استفاده شده برای جلب مشارکت روستاییان، برگزاری جلسه‌های توجیهی توسط مجریان طرح، مؤثرترین روش بوده که طی آن اطلاعات دقیق و آگاهیهای لازم از روند پروژه برای شرکت‌کنندگان تشریح شده است. ۷۸/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان بر کارایی این روش در جلب مشارکت تأیید کرده‌اند (جدول شماره ۲).

پس از برگزاری کلاسهای توجیهی، کوشش برای احیای تشکلهای روستایی و برگزاری کارگاههای آموزشی، کارآمدترین روش برای جلب مشارکتهای مردمی عنوان شده است. بررسی چگونگی مشارکت اقتصادی روستاییان در اجرای عملیات عمرانی نشان می‌دهد که ۴۳ درصد از پرسش‌شوندگان، مشارکت نقدی، ۷۵ درصد مشارکت نیروی کار و ۲۸/۶ درصد مشارکتهای جنسی را ترجیح می‌دهند. سهم پایین تمایل به مشارکت نقدی، بیشتر ناشی از شرایط نابسامان اقتصادی خانوارهاست که امکان پرداخت مالی آنان در اجرای پروژه‌ها را محدود می‌کند. پاسخ‌دهندگان در ناحیه شمالی، در مقایسه با ناحیه جنوبی، تمایل کمتری به مشارکت نقدی داشته‌اند که دلیل اصلی آن، وضعیت نامناسب اقتصادی خانوارهای ناحیه شمالی در مقایسه با ناحیه جنوبی است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. مشارکت و مسائل مربوط به آن

مناطق جنوبی	مناطق شمالی	کل ناحیه	شرح
			تمایل به مشارکت بر حسب تنوع:
۲۳/۵	۹/۱	۱۷/۹	- پولی
۶۴/۷	۳۶/۴	۵۳/۸	- کاری
۰	۹/۱	۲/۵	- جنسی
			نوع مشارکت انجام شده:
۵۲/۹	۲۷	۴۳	- پولی
۸۲/۴	۶۳/۶	۷۵	- کاری
۱۷/۶	۴۵/۵	۲۸/۶	- جنسی
۴۷/۱	۸۱/۸	۶۰/۵	- فکری
			روشهای جلب مشارکت مردمی:
۷۶/۵	۸۱/۸	۷۸/۶	- تشکیل جلسات توجیهی توسط بچری
۱۷/۶	۷۲/۷	۳۹/۴	- تشکیل جلسات توجیهی توسط مردم
۳۵/۳	۵۴/۵	۴۲/۹	- توسط تشکلهای سنتی
۴۱/۲	۲۷/۳	۳۵/۷	- با تشکیل کلاسهای آموزشی
۵۲/۹	۱۸/۵	۳۹/۳	- توسط شورای اسلامی روستا
۵/۹	۹/۱	۷/۱	- سایر روشها
			میزان مشارکت زنان:
۲۳/۵	۹/۱	۱۷/۹	- بسیار زیاد
۲۹/۴	۲۷/۳	۲۸/۶	- زیاد
۱۱/۸	۳۶/۴	۲۱/۳	- کم
۲۹/۴	۲۷/۳	۲۸/۶	- بسیار کم
۵۵/۵	۸۲	۶۵/۷	میزان مشارکت جوانان
			تأثیر مشارکت در جلوگیری از تحریب مراتع از نظر مردم:
۱۷/۶	۳۶	۲۴/۹	- بسیار زیاد
۳۵/۳	۵۴	۴۲/۷	- زیاد
۱۷/۶	۹	۱۴/۲	- کم
۲۳/۵	۱	۱۴/۶	- بسیار کم

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی چگونگی مشارکت روستاییان در اجرای پروژه‌ها، میزان ارادی یا غیرارادی بودن مشارکت را نیز نشان می‌دهد. ناآگاهی از نتایج طرح، ناتوانی مالی و در نهایت بی‌اعتمادی به نتایج طرح و مجریان پروژه سبب شده است تا برخی از پاسخ‌دهندگان تمایلی به مشارکت در اجرای پروژه‌ها نداشته باشند. در این زمینه، ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، ناآگاهی، ۱۸ درصد ناتوانی مالی و ۱۷ درصد بی‌اعتمادی به نتایج طرح را عامل عدم مشارکت در اجرای پروژه‌ها برشمرده‌اند. مقایسه نظر پاسخ‌دهندگان در ناحیه جنوبی در زمینه عدم مشارکت در اجرای پروژه‌ها نتایج کم و بیش یکسانی را به دست می‌دهد، با این تفاوت که تأثیر عوامل پیشگفته در عدم مشارکت در ناحیه شمالی بیشتر از ناحیه جنوبی بوده است.

یکی دیگر از نتایج ارزیابی پیامدهای اجرای طرح، افزایش نقش زنان و جوانان در فعالیتهای اقتصادی و عمرانی روستاهاست. در این باره ۴۶/۵ درصد از پرسش‌شوندگان بر افزایش نقش زنان در امور عمرانی تأکید داشته‌اند. این نسبت در ناحیه شمالی ۳۶/۴ درصد و در ناحیه جنوبی ۵۲/۹ درصد گزارش شده است (جدول شماره ۲).

جوانان نیز در فرایند اجرای طرح، از تصمیمگیری تا عملیات فیزیکی نقش داشته‌اند. در این زمینه نتایج ارزیابی نشان می‌دهد که ۶۶ درصد از جوانان روستایی در مراحل مختلف اجرای پروژه‌ها مشارکت داشتند و به دلیل جوانتر بودن جمعیت در ناحیه شمالی، این نسبت بالاتر نیز بوده است (جدول شماره ۲).

بیشتر پاسخ‌دهندگان تأثیر اجرای پروژه‌ها را در بهبود وضعیت اقتصادی روستا پذیرفته‌اند. در واقع، اجرای این پروژه‌ها مردم روستایی را به بالا رفتن سطح رفاه و بهتر شدن وضعیت معیشت آنان امیدوار ساخته است. نتایج حاصل از جمع‌بندی اطلاعات نشان می‌دهد که ۵۱/۲ درصد از روستاییان به تأثیر چشمگیر اجرای طرح در جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی امید بسته‌اند و معتقدند که پس از اجرای کامل طرح، تخریب اراضی در روستاهای منطقه به حداقل خواهد رسید. نسبت فوق برای ناحیه شمالی ۷۲/۷ درصد و برای ناحیه جنوبی ۴۷/۱ درصد محاسبه شده است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. میزان تأثیر پروژه آبخیزداری از نظر مردم

شرح	کل ناحیه	مناطق شمالی	مناطق جنوبی
تأثیر پروژه بر کاهش تخریب اراضی:			
- بسیار زیاد	۳۶/۹	۵۴/۵	۲۵/۳
- زیاد	۱۴/۳	۱۸/۲	۱۱/۸
- کم	۱۰/۷	۰	۱۷/۶
- بسیار کم	۲۱/۴	۱۸/۲	۲۳/۵
تأثیر پروژه بر ایجاد اشتغال:			
- بسیار زیاد	۲۵	۱۸/۲	۲۹/۴
- زیاد	۵۰	۶۳/۶	۴۱/۲
- کم	۱۷	۹/۱	۲۳/۵
- بسیار کم	۷/۱	۹/۱	۵/۹
تأثیر پروژه بر کاهش اتلاف آب:			
- بسیار زیاد	۶۰/۷	۷۲/۷	۵۲/۹
- زیاد	۳۵/۷	۲۷/۳	۴۱/۲
- کم	۰	۰	۰
- بسیار کم	۳/۶	۰	۵/۹
تأثیر پروژه بر افزایش توان پس انداز:			
- بسیار زیاد	۱۴/۳	۱۸/۲	۱۱/۸
- زیاد	۶۰/۷	۷۲/۷	۵۲/۹
- کم	۷/۱	۹/۱	۵/۹
- بسیار کم	۷/۱	۰	۱۱/۸
تأثیر پروژه بر افزایش اراضی زیرکشت:			
- بسیار زیاد	۲۵	۴۵/۵	۱۱/۸
- زیاد	۴۲/۹	۲۷/۳	۵۲/۹
- کم	۳/۶	۰	۵/۹
- بسیار کم	۷/۱	۰	۱۱/۸
تأثیر پروژه بر افزایش تولید:			
- بسیار زیاد	۲۵	۲۶/۴	۱۷/۶
- زیاد	۴۲/۹	۲۶/۴	۴۷/۱
- کم	۷/۱	۰	۱۱/۸
- بسیار کم	-	-	۲۳/۵
تأثیر پروژه بر بهبود سطح زندگی:			
- بسیار زیاد	۱۴/۳	۲۷/۳	۵/۹
- زیاد	۵۳/۶	۳۶/۴	۶۴/۷
- کم	۱۰/۷	۹/۱	۱۱/۸
- بسیار کم			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یکی دیگر از مهمترین نتایج اجرای طرح و اثر آن بر برداشت روستاییان، انتظار ایجاد فرصتهای شغلی جدیدی است که در آینده پدید می‌آید. این امید، بویژه برای نیروی جوان روستا، بسیار قوی است. به این ترتیب چنین امیدی می‌تواند از مهاجرت نیروی فعال روستا به شهرها جلوگیری کند. براساس جمع‌بندیهای انجام شده، ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان، ایجاد مشاغل جدید را یکی از نتایج قابل انتظار اجرای طرح دانسته‌اند. در ناحیه شمالی، ۸۱/۸ درصد و در ناحیه جنوبی، ۷۰/۶ درصد، اهمیت طرح را در ایجاد شغل‌های جدید مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند (جدول شماره ۳).

از دیدگاه روستاییانی که مورد پرسش واقع شده‌اند، افزایش تولید و سطح زیر کشت، یکی دیگر از نتایج اجرای طرح بوده است، به گونه‌ای که ۶۷/۹ درصد معتقد بوده‌اند اجرای طرح موجب خواهد شد تا تولید و به تبع آن، درآمد روستاییان بالا رود و وضعیت اقتصادی مردم بهبود یابد. در ناحیه شمالی، ۷۲/۸ درصد و در ناحیه جنوبی، ۶۴/۷ درصد بر این باور بوده‌اند (جدول شماره ۳).

به باور پرسش‌شوندگان، کاهش خسارات ناشی از سیل، توانایی نسبی مقابله با کم‌آبها و جلوگیری از اتلاف منابع آب و خاک نیز یکی دیگر از نتایج اقتصادی اجرای طرح است که در نهایت به افزایش تولید، درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان می‌انجامد.

افزایش درآمد، توان پس‌انداز را بالا می‌برد و سرمایه‌گذاری بیشتر را در فرایند تولید امکان‌پذیر می‌کند. جمع‌بندی نظر پرسش‌شوندگان نشان می‌دهد که ۷۵ درصد آنان نتایج اقتصادی پیشگفته را به عنوان یکی از پیامدهای اجرای طرح پذیرفته‌اند و تنها ۷/۱ درصد به چنین نتایجی امیدوار نبوده‌اند. پیامدهای اقتصادی یاد شده در ناحیه شمالی و جنوبی به ترتیب مورد قبول ۹۰/۹ درصد و ۶۴/۷ درصد جامعه مورد بررسی بوده است (جدول شماره ۳).

از آنجا که یکی از نتایج مورد تأکید در اجرای طرح، افزایش مشارکت و بویژه مشارکت زنان در عملیات عمرانی است، در بررسی انجام شده، سهم زنان در فرایند تصمیم‌گیری و تعیین نیازهای عمرانی روستا مورد پرسش قرار گرفت. با توجه به ساختار فرهنگی - اجتماعی جامعه روستایی کشور و اهمیتی که برای کار زنان در خانه وجود دارد، نتیجه این پرسش‌چندان در خور توجه نبوده است. جمع‌بندی اطلاعات حاکی از این است که سهم زنان در تعیین اولویتهای عمرانی

و توسعه روستایی تنها ۳۰ درصد بوده است. انتظار افزایش این سهم در آینده نیز، به عنوان یکی از پیامدهای اجرای طرح، زیاد امیدوارکننده نخواهد بود و حدود ۶۰ درصد از پرسش‌شوندگان نیز چنین انتظاری را تأیید کرده‌اند.

در مقوله مشارکت در فرایند توسعه روستا، شناسایی و تعیین گروههای مشارکت‌جو اهمیت بسیار دارد. این شناخت، نوعی طبقه‌بندی از سطوح مختلف مشارکت در امور را به دست می‌دهد که در اجرای پروژه‌های عمرانی روستا کارساز است. در این بررسی، طبقه‌بندی درآمدی گروههای مشارکت‌جو مورد ارزیابی قرار گرفته و این نتیجه به دست آمده است که ۶۷/۹ درصد پاسخ‌دهندگان، گروههای متوسط درآمدی را محور اساسی مشارکت در امور توسعه‌ای روستا معرفی کرده‌اند. این نسبت در ناحیه شمالی و جنوبی به ترتیب ۶۳/۶ درصد و ۷۰/۶ درصد محاسبه شده است. همچنین ۱۷/۹ درصد از پرسش‌شوندگان نیز گروههای ثروتمند روستا را محور اصلی مشارکت در فرایند توسعه روستا عنوان کرده‌اند (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴. منافع و منابع تأمین هزینه پروژه‌ها

شرح	کل ناحیه	مناطق شمالی	مناطق جنوبی
درجه اعتقاد به مشارکت دولت:			
- ۱۰۰ درصد	۵۷/۱	۶۳/۶	۵۲/۹
- ۸۰ درصد	۳۹/۳	۳۶/۴	۴۱/۲
- ۲۰ درصد			
میزان تقابل به سرمایه‌گذاری:			
- بیش از دیگران	۱۷/۹	۲۷/۳	۱۱/۸
- به اندازه دیگران	۷۱/۴	۷۲/۷	۷۰/۶
- کمتر از دیگران	۳/۶	۰	۵/۹
کدام یک از گروههای اجتماعی نقش بیشتری در مشارکت و توسعه روستا دارند:			
- ثروتمند	۱۷/۹	۲۷/۳	۱۱/۸
- میان‌درآمد	۶۷/۹	۶۳/۶	۷۰/۶
- سایر	۷/۱	۹/۱	۵/۹
بیشترین منافع نصیب چه گروههایی می‌شود:			
- ثروتمند	۱۴/۲	۹/۱	۱۷/۶
- میان‌درآمد	۶۰/۷	۶۳/۶	۵۸/۸
- کم‌درآمد	۱۴/۲	۹/۱	۱۷/۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در زمینه چگونگی سهم مشارکت هر یک از گروه‌های درآمدی در عمران روستا، ۷۱/۴ درصد از پرسش‌شوندگان به داشتن سهم مساوی در سرمایه‌گذاری‌ها اعتقاد داشته‌اند. ۱۷/۹ درصد نیز معتقد بوده‌اند که باید سرمایه‌گذاری بیشتری در مقایسه با دیگران داشته باشند و ۳/۶ درصد نیز به اختصاص سهم کمتری در این گونه مشارکت اعتقاد داشته‌اند. با این حال اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان، دولت را سرمایه‌گذار اصلی در امور توسعه روستا دانسته‌اند، به گونه‌ای که ۹۶/۴ درصد آنان بر این باور بوده‌اند که دولت باید بیش از ۸۰ درصد سرمایه‌گذاری را متقبل شود. این نسبت در ناحیه شمالی ۱۰۰ درصد و در ناحیه جنوبی ۹۴/۱ درصد محاسبه شده است (جدول شماره ۴).

در مورد توزیع منافع ناشی از اجرای پروژه بین گروه‌های اقتصادی و درآمدی روستا، ۶۰/۷ درصد پرسش‌شوندگان میزان برخورداری گروه‌های میان درآمد را بیشترین اعلام کرده‌اند و ۱۴/۲ درصد، میزان برخورداری گروه‌های کم درآمد و گروه‌های ثروتمند را بیشترین دانسته‌اند (جدول شماره ۴).

نتیجه‌گیری

نتایج اطلاعات جمع‌آوری شده از سیستم پایش و ارزیابی این پروژه نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی اجرایی در روستاهای نمونه مورد نظر نقش مثبت و مهمی در سطح آگاهی و شناخت روستاییان منطقه نسبت به پیامدهای زیانبار تخریب مراتع و منابع طبیعی موجود در محل زندگی خود داشته است، به طوری که حداکثر پرسش‌شوندگان، سیل، خشکسالی، فرسایش خاک و از بین رفتن منابع آب روستاهای خود را نتیجه استفاده نامناسب از مراتع دانسته و آن را به عنوان مهم‌ترین تهدید طبیعی علیه منافع اقتصادی - معیشتی خود معرفی کرده‌اند.

نکته مهم دیگر تأثیر اجرای این پروژه‌ها در افزایش ظرفیتهای تولید، فرصتهای شغلی، بهبود وضعیت درآمدی روستاییان، کاهش خسارات و زیانهای مالی ناشی از ناملاهیات طبیعی بوده است.

مسئله دیگر، نقش مهم گروه‌های میان درآمد در این روستاها به عنوان مشارکت‌کنندگان اصلی در اجرای پروژه‌هاست. به عبارت دیگر، معرفی فعالیتهای اجرایی در قالب پروژه‌های عام‌المنفعه و عمومی، زمینه‌های مشارکت بالای این گروه‌ها را فراهم آورده است. در همین رابطه می‌توان میل به سرمایه‌گذاری یکسان در میان روستاییان را ذکر کرد که ناشی از عام‌المنفعه بودن پروژه‌های اجرایی است که در نهایت، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و مشارکت اقتصادی بیشتر آنان ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری حاصل از عملیات پایش در حوزه نشان می‌دهد که در روستاهایی که از سطح سواد پایینتر و میانگین سنی بالاتر برخوردارند نگرشهای اجتماعی حاکم، اهمیت کمتری برای فعالیت اقتصادی زنان و جوانان قائل بوده است.

فقر اقتصادی یکی دیگر از موانع گسترش امر مشارکت در میان روستاهای مورد مطالعه بوده است، به طوری که در روستاهایی که از نظر اقتصادی دچار فقر بیشتری بوده‌اند، تمایل به مشارکتهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری در فعالیتهای پیشنهادی از سوی مدیریت پروژه کمتر بوده است.

در راستای افزایش کارایی مدیریت توسعه پایدار منابع آب و خاک در حوزه آبخیز حبله‌رود، با توجه به نتایج حاصل از فرایند عملیات پایش، پیشنهاد می‌شود سیاستهای اجرایی در موارد زیر تدوین شود:

۱. افزایش سطح آگاهی روستاییان نسبت به امور مشارکت و استفاده از پتانسیلهای روستا (توان زنان و جوانان)،

۲. سازماندهی و هدایت فعالیتهای اجرایی به سمت فعالیتهای اقتصادی درآمدزا و اشتغالزا در روستا،

۳. ارائه یارانه‌های تولیدی به روستاییان به منظور تشویق افراد کم‌درآمد و کم‌بضاعت برای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی.

منابع

۱. حشمت‌الواعظین، سیدمهدی (۱۳۷۸)، برنامه‌ریزی اقتصادی بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲. رودلف، استون هاگن (۱۳۶۳)، نیازهای اساسی دهقانان و استراتژی توسعه روستایی، ترجمه یاسمین قریشیان و میرسیدعلی رضوی، مرکز تحقیقات توسعه روستایی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۸)، قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
۴. شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۵)، توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. کلیتون. ای و اف. پتری (۱۳۷۱)، نظامهای نظارت برای پروژه‌های توسعه کشاورزی و روستایی، ترجمه قدرت‌الله... معیارزاده، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی تهران.
۶. کریمزادگان، حسن (۱۳۷۸)، ارزشگذاری مواهب زیستمحیطی جنگل زیست کاشت کوثر، مرکز تحقیقات آبخیزداری کشور. تهران.
۷. کیتنگر پرایزجی. (۱۳۷۹)، تحلیل اقتصادی طرحهای کشاورزی، ترجمه محمد رحمانی و مجید کوباهی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. منوری، سید محمود (۱۳۷۹)، هزینه‌های خسارات زیستمحیطی، سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور، تهران.
9. IBRD (1981), A hand book on monitoring and evaluation of agriculture and rural development projects, D.J, Casley and D.A. Lury.
10. IBRD (1982), Monitoring and evaluation of agricultural change, Y. Murphy and L.H. Sprey.
11. K. Umrop Upadhyay (1995), Shifting cultivation in Bhutan : A gradual approach to modifying land use Patterns, FAO.
12. Mitchnick, D. and F. Petry (1983), Monitoring rural development project,

- RASUWA, NUWAKOT, Nepal, F.A.O. Monitoring systems for agricultural and rural development projects, Vol. 2.
13. Slade, R. (1983), Monitoring agricultural development projects, The NIGRIAN, EXPERIENCE, F.A.O. Monitoring systems for agricultural and rural development projects, Vol. 2.
14. UN. Food and Agricultural Organization, Clayton, E. (1983), Monitoring an irrigation project Mwea, Kenya, F.A.O. Monitoring systems for agricultural and rural development projects, vol. 2, FAO.
15. UN. Food and Agricultural Organization (1994), Experineces from the F.A.O. People's Partipation programme in Srilanka, F.A.O.
16. UN. Food and Agricultural Organization (1995), TRAFNERS, GUIDE, Session Notes and Handouts, Vol. 1.
17. UN. Food and Agricultural Organization (1997), Developing participatory and integrated watershed management, FAO.
18. Valadez, Josseph and Michael Bamberger (2000), Monitoring and evaluating social programs in developing countries, World Bank Institute.
19. Whang, Y. (1988), Monitoring an integrated rural development programme Saemaul Undong, F.A.O., Monitoring systems for agricultural and rural development projects, vol. 2.
20. World Bank (1996), Participation source book, World Bank.
-